



حماسه آفرینان جاودان

اتوبوس‌ها کنار میدان شهدا ایستادند. آقای شکبیا که چفیه‌ی دوران دفاع مقدّسش را دور گردن انداخته بود، گفت: «اردوی ما از همین جا شروع می‌شود». بچه‌ها با تعجب گفتند: «اینجا؟ وسط تهران؟ مگر «اردوهای راهیان نور» را به مناطق جنگی نمی‌برند؟»

آقای شکبیا گفت: «آنجا هم می‌رویم؛ اما یادمان باشد که اینجا هم دیدنی و به یادماندنی است. اینجا میدان ژاله‌ی سابق است. روز هفده شهریور سال پنجاه و هفت، بسیاری از انقلابیون در همین میدان به شهادت رسیدند. به ظاهر این میدان نگاه نکنید. اینجا باغ لاله‌های سرخ و سرشار از عطر شهیدان انقلاب است.»



نزدیک غروب به پادگان دو کوهه رسیدیم. آقای شکبیا به دور تا دور پادگان نگاهی انداخت. سپس رو به بچه‌ها گفت: «اینجا محلّ تجمّع بهترین جوانان سرزمین ماست. رزمندگان سلحشور از نقاط مختلف کشور به اینجا



می‌آمدند، سازماندهی می‌شدند و به سوی خطّ مقدّم حرکت می‌کردند. ارتش صدّام، که به خیال خود می‌خواست سه روزه خود را به تهران برساند و انقلاب اسلامی را نابود کند، با ایستادگی و مقاومت همین رزمندگان روبه‌رو شد.

ردّ پای بسیاری از شهیدان و سرداران شهید مانند شهید همّت، شهید زین‌الدّین و دیگران در اینجا دیده می‌شود. دو کوهه، کوهی از خاطرات شنیدنی در سینه دارد. برای نماز به حسینیه‌ی شهید همّت می‌رویم؛ حسینیه‌ای که به یاد این شهید ساخته شده و سال‌ها شاهد نمازها و نیایش‌های رزمندگان و شهیدان بوده است.



به شلمچه رسیدیم؛ منطقه‌ای وسیع و بیابانی با خاک‌ریزهایی کوچک و بزرگ. دو طرف جاّه پوشیده از سیم‌خاردار و موانع نظامی بود و تعدادی تانک سوخته و نیم‌سوخته از زمان جنگ در منطقه به یادگار مانده بود.

آقای شکبیا بی‌تاب شد و با شور و اشتیاق به پهنای منطقه چشم دوخت. گویی خاطرات بسیاری از شلمچه داشت. نفس عمیقی کشید و گفت:

«به سرزمین شقایق‌های پرپر، به گلستان همیشه بهار شلمچه خوش آمدید! در اینجا تعدادی از بزرگ‌ترین عملیات‌های دفاع مقدّس اتفاق افتاد؛ عملیات‌هایی که در آن رزمندگان موقّق شدند از بزرگ‌ترین میدان‌های مین و محکم‌ترین سنگرهای دشمن عبور کنند و موجب حیرت بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان شوند.



۲- شهدا در راه خدا از هر چیز گزشتند، آن‌ها جانان را فدا کردند تا میهن اسلامی حفظ شود و **پایدار** بماند.
 چه جوان‌هایی جوانمردانه جنگیدند و جان خویش را تقدیم خدا کردند».

به طرف حسینی‌های شهدای گمنام شلمچه به راه افتادیم.
 با ادب در برابر شهیدان گمنام ایستادیم و مثل شاگرد، گرداگرد آموزگاران ایمان و شهادت زانو زدیم.

آقای شکبیا گفت: «از این عزیزان هیچ نام و نشانی به دست نیامده است. اینها همه چیزشان را تقدیم خدا کردند؛ حتی نام و نشانشان را!»

دور تا دور حسینی‌ها به تصویر و وصیت‌نامه‌ی شهیدان آراسته بود. شهدای دانش‌آموز، دانشجو، روحانی و ...
 غرق تماشای تصاویر بودیم که احمد ما را صدا زد.

– بچه‌ها! بیایید اینجا!

همگی دور یکی از تابلوها جمع شدیم. نوشته‌ی روی تابلو، توجه ما را به خود جلب کرد:

«سلام ما را به امام خمینی برسانید. از قول ما به امام بگویید: همان‌طور که فرموده بودید، مانند امام حسین (علیه‌السلام) مقاومت کردیم، ماندیم و تا آخر جنگیدیم».

این آخرین سخن آن بسیجی قهرمان قبل از شهادتش بود.
 از حسینی‌ها بیرون آمدیم و چند لحظه در گوشه‌ای نشستیم. به آنچه دیده و خوانده بودیم، فکر می‌کردیم.

آقای شکبیا گفت: «شهدا پیرو راه امام حسین (علیه‌السلام) بودند و تا آخرین قطره‌ی خون خود از کشور اسلامی ما دفاع کردند. آنها پاداش زیادی پیش خدا دارند. خدا در قرآن می‌فرماید:

۱- **مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ**

فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (حسیت؟)

«هرکس در راه خدا بجنگد؛ کشته شود یا پیروز گردد، پاداش بزرگی به او خواهیم داد».

سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۷۴

۳- چرا مردم هر سال به مناطق چند زده سفر می کنند؟

هر لحظه به شمار جمعیت افزوده می شود. از آقای شکیبا پرسیدیم: «چرا مردم هر سال به این مناطق سفر می کنند؟»

۳- شهدا در راه خدا از همه چیز خود گذشتند. آنها جانشان را فدا کردند تا میهن اسلامی پایدار بماند. فداکاری آنها دشمنان اسلام را خوار و ذلیل کرد. ما به این مناطق می آییم تا یاد آنها را زنده نگه داریم و از شهدا درس بگیریم. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید:

۴- پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) درباره شهدا چه گفته اند؟

۴ بالاتر از هر کار نیک، کار نیک دیگری است و شهادت در راه خدا بالاترین نیکی است. ۴

۳ شهدا به بالاترین نیکی ها رسیدند و ما هم با درس گرفتن از آنها می توانیم بهتر و زیباتر زندگی کنیم. ۳

از امری
د باسخ ۳



بخشی از وصیت نامه ی یک دانش آموز شهید

به همه سفارش می کنم که زیاد قرآن بخوانید و دعا کنید. پدر و مادر عزیزم! شما یک عمر برایم زحمت کشیدید؛ ولی من برای شما چه کرده ام؟ حدیثی هست که «اگر می خواهی گناهت پاک شود، به پدر و مادرت کمک کن»؛ ولی من برای شما این گونه نبودم! از شما می خواهم که مرا حلال کنید.

۴- وظیفه‌ی ما در مقابل جانبازان چیست؟ به آن‌ها احترام بگذاریم
 از آن‌ها یاد کنیم و به عبادت آن‌ها برویم و از کارهای نادرست مان
 بپرهیزیم **برایم بگو**

در دوران دفاع مقدّس، غیر از شهدا چه کسان دیگری در حملات دشمن صدمه و
 آسیب دیدند؟ **جانبازان و معلولان جنگی که در اثر حملات**

آسیب دیدند، همسران و فرزندان که مجبور به ترک خانه‌های
گفت و گو کنید خود شدند کودکان و افرادی که عزیزان خود را از
 این حملات از وصیت‌نامه‌ی یکی از نوجوانان شهید انتخاب شده است. **رست دارند.**

* هدف این نوجوان از حضور در جبهه چیست؟

سپارزه علیه باطل و دشمنان اسلام و پیروی از راه امام حسین (ع)

هم‌اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، با قلبی پر از عشق به جبهه و قلبی
 سرشار از ایمان، عازم جبهه‌ی حق علیه باطل هستم. من ندای حسین‌گونه‌ی
 امام امت را با دل و جان پذیرفته‌ام و در خطّ حسین و پشت سر سیدالشهداء
 حرکت می‌کنم.
 من می‌خواهم به جبهه بروم تا به دشمنان اسلام بفهمانم که اسلام تنها
 نیست و ما تا خون در رگ داریم، اسلام و امام را یاری خواهیم کرد.

* با توجه به آنچه خواندیم به نظر شما اگر فداکاری‌های شهدا و رزمندگان
 نبود، چه وضعی برای ما پیش می‌آمد؟ **کشور ما در دست افراد بیگانه**

ما آزاد بودیم آزادی ما را از دست می‌دادیم و بیگانه‌گان بر ما
حکومت می‌کردند **ایستگاه فکر**

در کتاب فارسی سوم دبستان با داستان فداکاری شهید فهمیده در دفاع مقدّس
 آشنا شدید.

آیا جمله‌ی تاریخی امام خمینی (رحمة الله علیه) درباره‌ی این «رهبر کوچک» را به
 خاطر دارید؟ **رهبر ما آن طفل ۱۳ ساله‌ای است که با قلب کوچک خود با ناز جنگ**
 به نظر شما چه شباهت‌هایی میان رفتار شهید حسین فهمیده با رفتار حضرت

قاسم (علیه السلام) در روز عاشورا وجود دارد؟ **هر دو با شجاعت از جهان**
خود گذشتند و در مقابل دشمن ایستادند و به
شهادت رسیدند.

۵- ها به عنوان دانش آموز چه درس‌هایی می‌خوانیم از شهدا بگیریم؟
شجاعت، ایثار، فداکاری، قربانی، وطن دوستی، تسلیم نشدن
در برابر ظلم و زیر بار ذلت نرفتن.

بررسی کنید

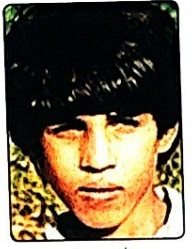
به جز شهدای دفاع مقدّس، چه شهدای دیگری در این زمان می‌شناسید؟
دکتر علی محمدی از اساتذگان فزربک هسته ای اولین شهید ترورهای
اتر.

بگرد و پیدا کن

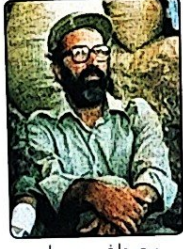
در اینجا نام تعدادی از شهدای دفاع مقدّس آمده است. در زیر بخشی از نام آنها، خط کشیده شده است. این بخش‌ها را در جدول پیدا کنید و دور آنها خط بکشید. حروف باقیمانده را به ترتیب کنار هم قرار دهید و یک کلمه بسازید. این کلمه، عنوان کسانی است که به شهیدان زنده معروف‌اند. به نظر شما وظیفه‌ی ما در برابر آنها چیست؟



محمود کاوه



بهنام محقّدی



مصطفی چمران



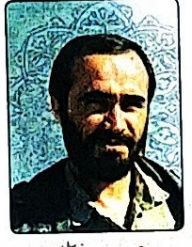
مهدی باکری



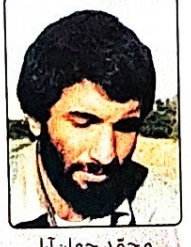
محمّد ابراهیم همت



علی صیّاد شیرازی



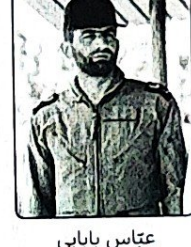
حسین خزاری



محمّد جهان‌آرا



حسن باکری



عبّاس بابایی

چ	ب	ا	ی	ر	ی	ج
خ	م	ج	ص	ی	ا	د
ر	ر	ب	ا	ق	ر	ی
ا	ا	ا	ن	ب	ا	ه
ز	ن	ی	ا	و	ه	م
ی	م	ح	م	د	ی	ت
ز	ب	ا	ب	ا	ی	ا

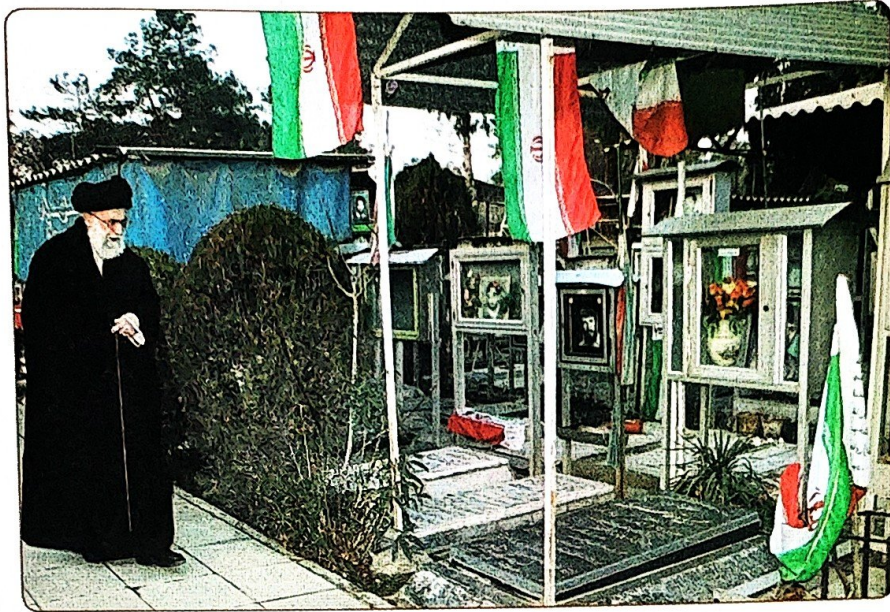
شهید زنده است.

۶- به چه کسانی شهدای گمنام می‌گویند؟ به سیکرهای پاک شهدای گمنام و نسائی از آن‌ها وجود ندارد.

بین و بگو



آیا تا به حال به زیارت شهدا رفته‌اید؟



به دیدار خانواده‌های ایشان چگونه؟



چه احساسی داشتید؟

۷- خداوند در قرآن درباره‌ی شهادت چه فرموده‌است؟
 هرکس در راه خدا بجهاد گشته شود یا شهید گردد پاداش بزرگی به او خواهیم داد.

۸ - مقام رهبری در باره شهید چه فرموده است؟ شهید سارگان تاریخ امروز و قرآنی ما هستند

کامل کنید

به نظر شما، ما دانش‌آموزان چه درس‌هایی می‌توانیم از شهدا بگیریم؟

تسلیم نشدن در برابر ظلم
و بی‌عدالتی

ایثار

شجاعت

ایستگاه خلاقیت

بخش‌هایی از وصیت‌نامه‌ی دو شهید دفاع مقدس را در این درس با هم خواندیم. کدام یک از جمله‌های این وصیت‌نامه‌ها را بیشتر دوست داشتید؟ یکی از این جملات را با خطی زیبا روی مقوّا بنویسید و در کلاس یا راهرو مدرسه نصب کنید.

تحقیق کنید

درباره‌ی یکی از شهدا یا جانبازان یا اسیران محلّ زندگی خودتان، که در جنگ ایران و عراق حضور داشته‌اند، تحقیق کنید.



۹ - روز سخاوت حسین مجتهد - روزی که نام گذاری شده است و
روز بیع دانش‌آموزی